



دکتر ولایتی مطرح کرد

کوتاهی دانشگاه‌های کشور در برقراری پیوند میان علوم و تمدن اسلامی

پیرو پیشنهاد موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و مصوبه هیات انامی موسسه برای تشکیل گروه فلسفه و علوم در تمدن اسلامی (علوم حکمت‌بنیان) اولین جلسه شورای علمی گروه «فلسفه و علوم در تمدن اسلامی» به ریاست آقای دکتر علی اکبر ولایتی برگزار شد. در این جلسه، دکتر ولایتی بر ضرورت احیای میراث علمی و فرهنگی و نیز ضرورت اشاعه و ترویج این علوم در دانشگاه‌ها به‌خصوص در علوم انسانی تأکید کرد و اذعان داشت که تاکنون در پیوند علوم و تمدن اسلامی و نیز شناخت صحیح آن در پژوهشگاه‌های علمی کشور و شناساندن روشمند و حکیمانه آن در دانشگاه‌های کشور کوتاهی شده است. وی افزود: «آگاهی و علم نسبت به سیر تاریخی و دستاوردهای علوم در تاریخ تفکر ایرانی-اسلامی و اشاعه آن سبب بالارفتن اعتمادبه‌نفس و خودباوری جوانان می‌شود. در تعریف تمدن اسلامی، تاکنون در یافتن رابطه بین اسلام و تمدن اسلامی کوتاهی شده و این امری است که به‌جد باید آن را بیابیم. ما باید در کتاب‌های درسی دانشمندان مسلمان و خبگان ایرانی نظیر ابوریحان بیرونی و مثلاً رساله‌التهفیم، او، ابن‌سینا و نوآوری‌های او در طب، هیات، ریاضیات و... همچنین قطب‌الدین شیرازی، خواجه نصیرالدین طوسی و... در معرفی کنیم و نقش این دانشمندان را در پیشبرد علم، به جوانان در مقاطع مختلف تحصیلی بیاموزیم.»

کارشناسان سیاست خارجی و بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان» پاسخ دادند

ایران چگونه با آمریکا مقابله به مثل کند

عمل نمی‌کند و حتی با خشن‌ترین عبارات و اقدامات با فضای بین‌المللی رفتار می‌کند و تعارفی حتی با همراهان قدیمی خود مثل کانادا و عربستان هم ندارد. از توافقات بین‌المللی و چندجانبه مانند پیمان آب و هوایی و برجام به راحتی خارج می‌شود، با چین جنگ تجاری آغاز می‌کند، با اروپایی‌ها تقابل تعرفه و با عربستان... در این میان البته محدودیت‌های داخلی ترامپ را نیز نباید فراموش کرد که احتمالاً در برخی موارد می‌تواند به کند شدن سیاست‌های وی کمک کند، لذا در پیش بودن انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره و نتایج آن هم هرچند به‌عنوان یک نشانه کمزگی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. خلاصه کلام اینکه ترامپ قطعاً از قوت بسیار کمتری نسبت به گذشتگان خود برای اجماع و همراه کردن دیگران علیه ایران برخوردار است و این خود فرصت مناسبی برای ایران می‌تواند قلمداد شود.

خبر معافیت هشت کشور از تحریم‌های نفتی اگرچه نه آنقدر قابل اعتناست که به‌عنوان یک پیروزی قلمداد شود و نه آنقدر واضح که بتوان از ابعاد آن برداشت دقیقی داشت، اما توجه صرف به انتشار خبر آن هم می‌تواند از وجوهی به‌عنوان یک فرصت در نظر گرفته شود. این خبر در شرایطی اعلام می‌شود که ترامپ و پمپئو وقتی وارد فاز نهایی تقابل با ایران شدند، ۱۲ شرط مهم برای ایران گذاشتند و در رویارویی عملی نیز به صفر رساندن فروش نفت ایران را به‌عنوان یک هدف اصلی مطرح کردند، با

یا به اجبار مایل به همراهی با آمریکا هستند داده نشده تا با اجماع جهانی علیه ایران اقدام کنند، لذا می‌توان به اختصار با در نظر داشتن قوت اقتصادی آمریکا و تسلط بر حوزه‌هایی از اقتصاد بین‌المللی و نهاد‌های حاکم بر آن، این فرصت را بیش از گذشته در نظر گرفت که آمریکا در ایجاد اجماع ناتوان است، لذا از این رهگذر می‌توان به ظرفیت‌های موجود فکر کرد. وعده‌های اروپایی‌ها برای همکاری با ایران با وجود تعویق‌های مکرر از نمونه‌های مهم همین کشور قوت اجماع است.

حتی کارشناسانی که وقایع بینانه و موشکافانه سیاست‌های ایالات متحده را دنبال می‌کنند، امروز به این مسأله اذعان دارند که دوران ترامپ متفاوت از دوران اوباما است، چرا؟ ایالات متحده هم با آلمان‌های رفتارهای کنونی و هم با توجه به تجربه تاریخی در دوران دموکرات‌ها مخصوصاً اوباما بسیار پیچیده‌تر از دوران جمهوریخواهانی مثل ترامپ رفتار کرده است. زمانی که کلینتون سیاست خارجی آمریکا را برعهده داشت، به قول خودش برای تأسیس گروهکی تروریستی به بیش از ۱۲۰ کشور دنیا سفر کرد یا اینکه در قبال ایران مسیری پیچیده مثل مذاکره و برجام را در پیش گرفتند و با سیاست‌ورزی‌های عمیق تلاش کردند قریبان بین‌المللی خود را به عقب برانند. اقدامات ترامپ در یکی دو سال گذشته نشان داده‌وی آن گونه که قبلی‌ها حفظ ظاهر می‌کردند، دیوپلو سسخن می‌گفتند و به عبارتی پیچیدگی داشتند،

ایالات متحده آمریکا علاوه بر اینکه از برجام خارج شد، تحریم‌های خود علیه ایران را طی دو مرحله در مردادماه و آبان به شرایط قبل از سال ۲۰۱۵ و امضای برجام برگرداند. حالا علاوه بر تحریم‌هایی که آمریکا برخلاف تعهد قبلی و در طول برجام هم در زمان اوباما و هم در دوران ترامپ اعمال کرده بود مانند کاتسا، ایران با تحریم‌های به‌ظاهر تعلیق‌شده قبلی هم مواجه است و به عبارتی حجم تحریم‌های امروز بیش از آن چیزی است که در سال ۲۰۱۵ با آن مواجه بود. البته این مسأله به این معنا نیست که این مجموعه تحریمی الزاماً موثرتر از گذشته است و نتایج گسترده‌ای برای ایالات متحده دارد، چراکه شرایط امروز تفاوت‌هایی با گذشته داشته و به نوعی فرصتی فراهم آمده تا به این تهدید، به قول کشتی‌گیران بدل زده و بیش از گذشته بر قدرت و قوت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی کشور افزوده شود.

ایالات متحده در شرایطی تحریم‌های ایران را برگرداند که حداقل در قول و کلام هم که شده اجماع جهانی برای همراهی با ایالات متحده وجود ندارد.

برجام هرچند به اعتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی و صاحب‌نظران سیاست خارجی و البته دانشمندان هسته‌ای، مسیریایی از حرکت کشور را محدود کرد و برای مثال صنعت هسته‌ای و قوت ناشی از آن را تضعیف، اما به هر حال امروز به نمادی از بدعهدی آمریکایی‌ها تبدیل شده و با وجود قطعنامه ۲۲۳۱ این اجازه به کشورهایی که با قلبا

گفت‌وگو

هر کشوری که از تحریم‌های آمریکا پیروی کند، از نگاه ایران باید خاطی قلمداد شود

دکتر یاکو حسین، کارشناس ارشد مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری



تحریم‌های اعمالی آمریکا تازگی ندارد و از قبل هم وجود داشته؛ با این تفاوت که در تحریم‌های قبلی آمریکا پیش از برجام یک حمایت چندجانبه و بین‌المللی را به همراه داشت. از این رو به نظر من این تحریم‌ها دشوارتر از دوران گذشته نخواهند بود، به‌ویژه اگر کشورهای موسوم به ۴+۱ بتوانند به تعهدات خود عمل کرده و رضایت ایران را به صورت معقولی جلب کنند، بنابراین به‌جای نگرانی باید تلاش کنیم از طریق مدیریت و بهبود عملکرد اقتصاد ملی آثار تحریم‌ها را کم کرده و از طریق همدلی و همبستگی ملی فضای روانی و جوسازی‌های آمریکا را از بین ببریم. اگر ما در این راه موفق شویم، احتمال اینکه متریال تحریم اقتصادی بتوانند به نتایج موردنظر آمریکا برسند، تقریباً صفر خواهد بود. در حال حاضر با در نظر گرفتن اینکه کشورهای دیگر با آمریکا همدلی ندارند و به اشکال مختلف اقدامات آمریکا را محکوم و تلاش می‌کنند به تعهدات خود در معاملات تجاری عادی با ایران عمل کنند، باید صبر کنیم تا ببینیم درنهایت مکانیسم‌های پیشنهادی و وعده‌های داده‌شده توسط ۴+۱ چگونه عملی خواهد شد و بعد از آن باید برای اقدام متقابل عمل کنیم. تأکید این موضوع ضروری است که دامنه انتخاب‌های ایران محدود نیست. ما هنوز می‌توانیم کارهای مختلفی انجام دهیم که هزینه‌ها را برای آمریکا بالا ببرد. اگر ما به این استنباط و برداشت برسیم که آمریکا یک جنگ اقتصادی واقعی را با ایران آغاز کرده و تا اندازه‌ای هم موفق شده، در آن صورت مسا می‌توانیم این جنگ را با ابزارها و شیوه‌های مختلف علیه آمریکا ادامه دهیم. ما اگر به این نتیجه برسیم که تحریم‌های یکجانبه آمریکا تفاوتی با تحریم‌های چندجانبه قبلی نداشته است، با اگر به این نتیجه برسیم که کشورهای ۴+۱ به تعهدات خود آن گونه که باید عمل نکردند، از برجام خارج خواهیم شد. خروج ایران از برجام می‌تواند بسیاری از محاسبات را از نگاه واشنگتن تغییر دهد. بنابراین ما دامنه انتخاب‌های زیادی داریم و نباید نگران باشیم و البته نباید در استفاده از گزینه‌هایی که پیش رو داریم، تعجیل کنیم. فعلاً باید صبر کرد و دید دیگران - به‌طور خاص اعضای ۴+۱ ولی به‌طور عموم کشورهایی که از طریق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به برجام و اجابت دادند و امروز متعهد به قطعنامه شورای امنیت هستند- چگونه عمل خواهند کرد، بنابراین هر کشوری که عضو سازمان ملل متعهد است و از تحریم‌های آمریکا پیروی می‌کند و به تعهدات خود پشت پا می‌زند، در واقع قطعنامه شورای امنیت را نقض می‌کند و از نگاه ایران باید خاطی قلمداد شود.

تعهدات داوطلبانه به سرعت ملغی شوند

هادی محمدی، کارشناس سیاست خارجی



واکنش جمهوری اسلامی در قبال وضعیت جدید یعنی بازگشت تحریم‌هایی که تعلیق شده بود، طبیعی است. با توجه به اینکه ترامپ و ایالات متحده آمریکا در تقابل کنونی با ایران اصلی‌ترین اقدامات خود را بر پایه ارباب رسانه‌ای و دیپلماتیک قرار داده‌اند، یعنی با فشار تهدید شرکای خود در سطح جهان تلاش می‌کنند کشورهای مختلف را برای به اجرا گذاشتن تحریم‌های جدید علیه ایران متقاعد کنند و اعلام می‌کنند که تخطی از این سیاست می‌تواند موجب مجازات آنها بشود، دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی باید یک بالانس و توازن جدید منطقه‌ای و جهانی را پدید آورد. با توجه به نارضایتی عمومی امروز که در سطح جهان از سیاست‌های دونالد ترامپ وجود دارد، قطعاً استفاده از ظرفیت رقیب آمریکا و ترامپ و حتی شرکایی که امروز تبدیل به رقیب شده‌اند یا منافع آنها با اجرای سیاست‌های مدنظر ترامپ به خطر افتاده است، می‌تواند به‌عنوان یک فرصت مناسب برای توسعه روابط تجاری و سیاسی مدنظر قرار گیرد. اروپایی‌ها ماه‌هاست که با وقت‌کشی و بیان وعده‌های پرآکنده بدون کمترین اقدام عملی، تلاش می‌کنند ایران را به تعهدات خود در برجام پایبند نگه دارند و البته مشخص هم هست که دوندنمای آنچه که اروپایی‌ها وعده می‌دهند حتی در صورت وقوع هم دارای ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای توسعه اقتصادی و حل مشکلات کنونی کشور نیست، در این شرایط ایران باید با یک سری اقدامات توازن استراتژیک در مقابل اروپایی‌ها تعریف و ایجاد کند. بدین منظور لغو بخشی از تعهدات ما در برجام که داوطلبانه هستند و هیچ ربطی به محورهای برجام ندارد، می‌تواند به‌عنوان گام‌های اولیه برداشته شوند. اروپایی‌ها از اینکه پایه‌های برجام به هم بریزد نگران هستند و حتی آمریکایی‌ها برخلاف اینکه در زبان بیان نمی‌کنند هیچ علاقه‌ای به اینکه ایران از تعهدات برجامی خود خارج شود، ندارند. این فشار باعث می‌شود اروپایی‌ها وعده‌های ناچیز خود را عملیاتی کنند و در مقابل آمریکایی‌ها هم به‌عنوان یک اقدام بازدارنده آنها را تحت فشار قرار دهند. علاوه بر این می‌توان اقدامات متقابل تجاری در مقابل کشورهایی مانند کره را که در حوزه نفتی در همکاری‌های خود با ایران تجدید نظر کرده‌اند در دستور کار قرار داد و بازارهای بزرگ محصولات آنها در ایران را محدود کرد تا آنها نیز مجازات و مجبور به همکاری با ایران شوند.

باید خروج ایران از برجام را برای طرف‌های غربی باورپذیر کنیم

فواد ایزدی، استاد دانشکده مطالعات جهان



چون برجام توافق خوبی برای طرف مقابل محسوب می‌شد، در بحث مذاکرات هسته‌ای یکی از اهرم‌های اصلی فشار ما این بود که طرف مقابل احساس کند ایران امکان خروج از برجام را دارد. ترامپ با این پیش‌فرض که ایران تحت هر شرایط در برابر ما خواهد ماند، از این توافق خارج شد تا بتواند امتیازات بیشتری بگیرد. خودمان به نوعی این ذهنیت را برای طرف‌های غربی ایجاد کردیم و زمانی که بحث خروج آمریکا از برجام مطرح شد، تأکید کردیم برجام با اروپا ادامه خواهد داشت؛ از این رو ما از ابزاری که داشتیم استفاده نکردیم، بنابراین آمریکا با هدف فشار برای دستیابی به امتیازات بیشتر از برجام خارج شد و از طرف دیگر اروپاییان نیز اقداماتی درخور انجام ندادند.

قبل از خروج آمریکا از برجام، وزیر خارجه ما تأکید کرد که ما سه انتخاب داریم؛ خروج از برجام، خروج از NPT و یا اینکه با استفاده از ظرفیت برجام نسبت به عملکرد طرف‌های غربی اعتراض کنیم، ولی هیچ‌یک از این اقدامات را انجام ندادیم. از این رویکی از مشکلات ما این است که طرف مقابل حرف مقامات قوه مجریه ما را جدی نمی‌گیرد. ما باید خروج ایران از برجام را برای طرف‌های غربی باورپذیر کنیم و اقدامات قاطعی انجام دهیم که نواقح برجام نباشد، ولی فاصله زیادی از خروج نداشته باشد و طرف مقابل مطمئن شود که در صورت عدم پایبندی به تعهدات از برجام خارج خواهیم شد. اقدام دیگری که باید انجام شود این است که باید از تجربه برجام درس بگیریم و مطمئن باشیم که رابطه خصمانه آمریکا ایران حتی با دادن امتیازات بیشتر نیز درست نخواهد شد. اینکه برخی درخصوص تسلیحات دفاعی و موشکی ما مذاکره می‌کنند، نشان می‌دهد هنوز از تجربه برجام نیز درس نگرفته‌اند. ما بعد از امتیازات گسترده‌ای که بعد از برجام دادیم، هم با محدودیت‌های هسته‌ای مواجه شدیم، هم تحریم‌های هسته‌ای و هم تحریم‌های غیرهسته‌ای گسترده شامل ما شد. هم در زمان دولت اوباما ۴۰ نفر به لیست سیاه تحریم اضافه شدند و هم اینکه زمان ترامپ، از طریق قانون کاتسا، دولت آمریکا به مقابله با ایران پرداخت.

روابط خود با آژانس را به حداقل ممکن برسانیم

ابوالفضل ظهروند، کارشناس سیاست خارجی



در شرایط کنونی توپ در زمین ۴+۱ است و ما باید در موضع مطالبه‌گری باقی بمانیم. اروپا باید در یادید که جمهوری اسلامی ایران نیز یک آستانه تحملی دارد و انفعال اروپایی‌ها برای نجات آن نشان دهنده آن است که عملاً توافق هسته‌ای دهن شده و اگر برجام دهن شده، این حق برای ما وجود خواهد داشت که مسیر خود را برویم. در این باره ذکر یک نکته ضروری است و آن اینکه ایران در چارچوب برجام قدرت مانور خوبی دارد و می‌تواند همکاری‌های خود با آژانس را به پایین‌ترین سطح خود تنزل دهد، لذا تا جایی که قطعنامه ۲۲۳۱ اجازه می‌دهد ضروری است که ایران فارغ از همکاری‌هایی که تاکنون صورت می‌گرفت، سطح این همکاری را در کمینه خود نگه دارد. نکته بعدی اینکه با توجه به آنکه تحریم‌های آمریکا در همه حوزه‌ها وجود ندارد و واردات کالاها بی‌خاصیت و لوکس از آن مستثنی است، باید در زمینه واردات تجدیدنظر کرد. به بیان دقیق‌تر باید منابع ارزی را دقیقاً به کنترل درآورد و در سیاست‌های پولی-مالی و بانکی کشور تجدیدنظر اساسی کرد. روابط پولی-مالی دوجانبه از جمله با چین و روسیه و ترکیه ضرورت دیگری است که باید در دستور کار قرار گیرد. این موضوعی است که در سال‌های اخیر نسبت به آن کوتاهی‌های بسیاری صورت گرفته است. ایران ۱۵ همتسایه دارد که می‌توان با آنها مبادله داشت. مسأله دیگر لزوم بازنگری در سیاست خام‌فروشی نفت است. نفت مایه حیات و رگ حیاتی غرب و اقتصاد جهان است. کمدی تلخ ماجرا آن است که آنها چیزی را که برای خودشان جنبه حیاتی دارد، به‌عنوان اهرم سیاسی علیه خود ما استفاده می‌کنند.

ایران باید خام‌فروشی را از دستور کار خارج کند و خصوصاً به کشورهایی که در این مرحله با ما بدرفتاری می‌کنند، درباره ادامه فروش نفت به آنها هشدار دهد. در این باره بازار ظرفیت لازم را ندارد و می‌توان قیمت نفت را بالای ۱۰۰ دلار دید. به بیان دقیق‌تر به جای اینکه ۲/۵ میلیون بشکه به هر قیمت هر بشکه ۵۰ دلار بفروشیم می‌توانیم، ۷۰ هزار بشکه با ۱۵۰ دلار بفروشیم.

با علم به این واقعیات بازنگری در رویکردها و نوع نگاه به سیاست خارجی و موقعیت کشور ضروری به نظر می‌رسد و اینها نکاتی کلیدی است که متأسفانه تاکنون از دستور کار دولت خارج بوده است.

استفاده از مبادلات خارجی باید صرفاً تاکتیکی و مازاد باشد

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس



اگرچه اجرای دور دوم تحریم‌های آمریکا آغاز شده است، ولی باید در نظر داشت به دلایل تاریخی و ساختاری، اقتصاد ما اقتصادی است که قابلیت مدیریت داخلی را دارد و به بیان دقیق‌تر مولفه‌های مدیریت داخلی و محرک‌های تأثیرگذار داخلی آن به مراتب بیشتر از محرک‌های اثرگذار خارجی است، لذا باید نگاه راهبردی ما داخلی و نگاه تاکتیکی ما خارجی باشد. به عبارت دیگر، باید در داخل کشور سیاست‌های اقتصادی ما را سامان دهیم. از این رو باید از شرایط فعلی در راستای فعال‌سازی ظرفیت‌های عظیم داخلی و مقابله جدی با مفاسد استفاده کنیم تا نابسامانی‌های ناشی از تحریم، نابسامانی اقتصادی را به اقتصاد کشور تحمیل نکند. استفاده از مبادلات خارجی ما باید استفاده تاکتیکی و مازاد باشد. به عبارتی ارتباطات ما با اروپا و سایر کشورها باید کمک مازاد به راهبرد و بنیان‌های اقتصادی داخلی باشد.

درخصوص اتحادیه اروپا و سازوکار پیشنهادی آنها برای مقابله با تحریم‌های آمریکا، معتقدم پیشنهاد آنها درنهایت سازوکاری عملیاتی و جدی نخواهد بود، ولی در عین حال یک انتظار مثبت برای شکست تحریم‌های آمریکا ایجاد خواهد کرد. اگر از این ظرفیت هم در حوزه عملیات روانی استفاده کنیم، موفق خواهیم بود.

به تمهیدات اروپا دل خوش نکنیم، بر رفع موانع تولید داخلی تمرکز کنیم

مرتضی صفاری نظری، سفیر سابق ایران در اسپانیا



تحریم‌های آمریکایی بیش از آنکه عملیاتی باشد، جنبه روانی و تبلیغاتی دارد، چراکه آمریکایی‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همه نوع تحریمی را علیه ایران اعمال کردند و کار جدیدی نمی‌توانند انجام دهند. در دوره قبلی تحریم‌ها، با بهره‌گیری از مصوبه شورای امنیت، دست آمریکا برای فشار همه‌جانبه به ایران باز بود، با این حال ما آن دوران را گذراندیم. ولی امروز تحریم‌ها یکجانبه است و کاری افزون بر تحریم‌های دولت اوباما نمی‌توانند انجام دهند. در این دوره اروپایی‌ها هم علیه آمریکا موضع گرفتند و درصدد اقدامی هستند که اثر تحریم‌ها را کمتر کنند. جریان صهیونیسم و استکبار جریان درهم‌تنیده‌ای است که از ابزارهای خود در شرایط مختلف استفاده خواهد کرد. از این رو ما نباید به دلیل ساختار حاکم میان کشورهای غربی، خیلی به تمهیدات اروپا دل خوش

کنیم و آنها نیز خیلی قابل اعتماد نیستند.

در حال حاضر به نظرم دولت بیش از هر چیز باید تأکید و فعالیت خود را روی تولیدات داخلی متمرکز و موانع تولید داخلی را مرتفع کند. ما حتی بنگاه‌های کوچک اقتصادی داریم که اگر مشکلاتشان رفع شود، کمک زیادی به تولید و اشتغال خواهد شد. در گام بعدی باید صادرات را قوت بخشیم و با ساماندهی صادرات و تمرکز روی کشورهای منطقه و پیمان‌های دوجانبه پولی میان کشورهای همسایه بتوانیم به راحتی از تحریم‌ها عبور کنیم.

برجام دیگر وجود ندارد، باید به ظرفیت‌های داخلی تکیه کنیم

صادق کوشکی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران



با توجه به شرایط فعلی، اگر کسی هم انقلاب اسلامی را به هر طریق قبول ندارد، باید غیرت ملی داشته باشد و این عرق ملی را دستمایه مذاکره با کسانی که به هویت ما احترام نمی‌گذارند، نکند. دولت یک بار به جای اعتماد به بیگانه و دراز کردن دست به سوی چشم‌آبی‌ها و موطالی‌ها به مردم خود باید اعتماد کند و شاهد معجزه این اعتماد باشد. ۱۰۰ سال دیگر هم مذاکره کنیم، حداکثر بل لزرانی بین ما و اروپا ایجاد خواهد شد که هر بار باید این بل لزران را با منت کشیدن و چشم گفتن حفظ کنیم؛ بل لزرانی که برای همیشه دست ما را زیر ساطور اروپا قرار خواهد داد، این در حالی است که حتی احتمال ایجاد این ارتباط لزران هم ضعیف است. از این رویک بار باید حداقل مبتنا بر این بگذاریم که آمریکا و اروپایی وجود ندارد و با اعتماد به تولیدکنندگان، کشاورزان و صنعتگران داخلی امور را پیش برد، حتی اگر همان حسن نیتی که نسبت به اروپا وجود دارد، به ملت خود داشته باشیم و نتیجه‌اش را ببینیم. برجام مرده و دیگر وجود ندارد. هرچه بیشتر پای این لاشه‌ها مانیم، تنها بوی تعفن بیشتری نصیب ما خواهد شد. ما از برجام خبری ندیدیم، از ابتدا هم قرار نبود چیزی از برجام نصیب ما شود و میوه برجام را آمریکا و اروپا چیدند. در مقابل بدعهدی متعهدان برجام اقدامات متقابلی چون ازسرسگیری غنی‌سازی و... می‌تواند در دستور کار قرار بگیرد، به شرطی که دولت آقای روحانی اراده‌ای برای اقدام متقابل داشته باشد.